



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

doi <https://doi.org/10.22067/jgrd.2023.82695.1286>

مطالعه مروری

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و یکم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۳

فرا تحلیل آگاهی از حقوق شهروندی در ایران (در بازه ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰)

سیداحمد میرمحمدتبار (استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران، نویسنده مسئول)

a-mirmohamadtabar@araku.ac.ir

زین‌العابدین افشار (استادیار گروه جامعه شناسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران)

z-afshar@araku.ac.ir

سعید محمودی (کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

saeidmahmoudi1395@gmail.com

صص ۲۸۷ - ۳۱۴

چکیده

در چند دهه اخیر حقوق شهروندی به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی تبدیل شده و توجه متفکران و سیاست‌مداران زیادی را به خود جلب کرده است. در موضوع آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل آن، تحقیقات متعدد با نتایج متفاوت در ایران انجام گرفته است که ترکیب و جمع‌بندی نتایج مربوط، ما را به درک روشن‌تری از این واقعیت پراهمیت رهنمون خواهد کرد. فراتحلیل حاضر با هدف شناسایی نقاط افتراق و اشتراک تحقیقات این حوزه و شناسایی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی در ایران انجام شد. جمعیت آماری این تحقیق همه مقالات معتبر علمی بودند که در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰ با موضوع آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل آن منتشر شدند. ملاک انتخاب مقالات برای فراتحلیل، اندازه اثر عوامل بر آگاهی از حقوق شهروندی بود که در نهایت به انتخاب ۲۲ مقاله معتبر انجامید. نتایج فراتحلیل نشان می‌دهد، اول اینکه آگاهی از حقوق شهروندی در ایران در حد متوسط است؛ دوم اینکه از میان عوامل متعدد، مشارکت اجتماعی، پایگاه

اقتصادی-اجتماعی و مصرف رسانه‌ای در مقایسه با سایر عوامل، تأثیر بیشتری بر آگاهی از حقوق شهروندی در ایران داشته‌اند؛ سوم اینکه تحلیل اندازه اثر نشان می‌دهد که اثر معنادار مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی مصرف رسانه‌ای بر آگاهی از حقوق شهروندی به ترتیب برابر ۰/۳۲، ۰/۲۷ و ۰/۲۶ بوده است. با توجه به تأثیر این متغیرها بر آگاهی از حقوق شهروندی می‌توان پیشنهادهایی مثل معرفی تشکل‌ها، انجمن‌ها سمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی و... در زمینه‌های مختلف به شهروندان و تشریح فعالیت‌های مختلف آنان برای افزایش میزان حضور در عرصه‌های عمومی، استفاده از ظرفیت‌های سازمان صداوسیما برای تولید برنامه‌هایی با موضوع شهروندی و فراهم آوردن زمینه مناسب برای مطالبه حقوق شهروندی از طریق برنامه‌های تلویزیونی، پیامکی و سامانه اینترنتی ارائه کرد.

کلیدواژه‌ها: فراتحلیل، اندازه اثر، آگاهی از حقوق شهروندی، مشارکت اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، کشور ایران.

۱. مقدمه

شهروندی^۱ از دیرباز مفهومی محوری در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی مثل جامعه‌شناسی، جغرافیا و تاریخ بوده است و که بررسی رابطه بین شهروندان و دولت (یا دولت‌های محلی مثل شهرداری) می‌پردازد (لمانسکی^۲، ۲۰۱۹، ص. ۱۰). ایسین و نیلسن^۳ (۲۰۰۸) عبارت «اعمال شهروندی»^۴ را ابداع کردند و در این مفهوم بر لزوم دور کردن توجه از کسانی که قوانین شهروندی را تعیین می‌کنند (به‌عنوان مثال دولت یا شهرداری) یا کسانی که تبعیت از این قوانین را انجام می‌دهند (به‌عنوان مثال شهروندان) تأکید می‌کنند و توجه را بر اعمال و رفتارهای شهروندی متمرکز می‌کنند. آن‌ها مدعی‌اند که تمرکز از نهاد شهروندی و شهروند، به‌عنوان عامل فردی، به اعمال شهروندی تغییر کند؛ یعنی اعمال جمعی یا فردی که الگوهای اجتماعی را شکل می‌دهد (ایسین و نیلسن ۲۰۰۸، ص. ۲).

-
1. Citizenship
 2. Lemanski
 3. Isin and Nielsen
 4. Acts of citizenship

وود^۱ (۲۰۱۴) بیان می‌کند که شهروندی وضعیت رسمی است که از یک طرف شهروندان در شهر یا کشوری که زندگی می‌کنند دارای حق و حقوقی هستند و از طرف دیگر باید وظایف و تکالیفی را انجام دهند؛ در حالی که برخی محققان مثل تیلور-گوبی^۲ (۲۰۰۸) و دوایر^۳ (۲۰۱۰) از برچسب‌های مختلفی مثل «شهروندی اجتماعی» برای نشان دادن اعمال شهروندی استفاده می‌کنند. در ادبیات این حوزه اجماع کلی وجود دارد که شهروندی فقط در مورد قرارداد حقوقی مشروع بین دولت و شهروندان نیست، بلکه شامل راه‌هایی نیز است که شهروندان از طریق آن این احقاق حقوق را نشان می‌دهند و در نتیجه شهروندی فضای حیاتی زندگی روزمره در شهر معاصر را در بر می‌گیرد (وود، ۲۰۱۳، ص. ۱۱۱).

شهروندی از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی چند قرن اخیر است و در ابتدایی‌ترین حالت به رابطه بین افراد و جوامعی که در آن زندگی می‌کنند، به‌ویژه دولت مربوط می‌شود (کاندور^۴، ۲۰۱۱). مارشال^۵ (۱۹۵۰، ۱۹۹۲) پیشنهاد کرد که این اشکال شهروندی در دولت-ملت‌های غربی به ترتیب در قرن‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ در کنار تغییرات عمده در نهادهای اجتماعی و شرایط مادی زندگی مردم ظهور کرد (هامپیچ^۶، ۲۰۱۴). به‌عنوان مثال، «دولت رفاه»^۷ ایالات متحده در دهه ۱۹۳۰ در پاسخ به رکود بزرگ که ناشی از قمار بازار سهام و اقتصاد نامحدود بازار آزاد بود، ایجاد شد (یرگرین و استانیسلاو^۸، ۲۰۰۲). به‌طور مشابه، ایده‌های مارشال در ابتدای آنچه شکل گرفت که اکنون به‌عنوان «دولت رفاه» در بریتانیا می‌شناسیم. بین سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۸، قوانینی برای آموزش همگانی رایگان، ایجاد خدمات بهداشتی ملی و گسترش بیمه ملی به تصویب رسید (دوایر^۹، ۲۰۰۰). این اصلاحات توسط اقتصاد کینزی^{۱۰} انجام شد که افزایش مخارج دولتی را به‌عنوان بهترین راه برای سرپا نگه داشتن اقتصاد و همچنین بهبود

-
1. Wood
 2. Taylor-Gooby
 3. Dwyer
 4. Condor
 5. Marshall
 6. Humpage
 7. Welfare state
 8. Yergin & Stanislaw
 9. Dwyer
 10. Keynesian

وضعیت زندگی شهروندان از نظر حقوق آموزش، بهداشت، مسکن و رهایی از تأثیرات منفی بیکاری پیشنهاد می‌کرد (ریوی^۱، ۲۰۱۴).

مارشال (۱۹۵۰، ۱۹۹۲) با تأکید بر برابری موقعیت و فرصت استدلال کرد که این حقوق برای تسهیل مشارکت کامل در جامعه و فراتر رفتن از نابرابری‌های مرتبط با سرمایه‌داری و ساختار طبقاتی ضروری است. ایده مارشال از شهروندی را می‌توان به‌عنوان تلاشی مفید برای ادغام ایده‌های مرتبط با اشکال لیبرال و جامعه‌گرایی^۲ شهروندی در نظر گرفت (اندرسون و گیسون^۳، ۲۰۲۰). به‌طور کلی، لیبرالیسم شامل مفهوم‌سازی شهروندی به‌عنوان موقعیت یا مجموعه‌ای از حقوق است که به «کسب‌کردن» نیاز ندارد؛ درحالی‌که جامعه‌گرایی آن را به‌عنوان مسئولیت شامل مشارکت و فضیلت می‌داند. ایده مارشال شامل تلاش برای ترکیب تأکید بر فردگرایی ذاتی لیبرالیسم با تشویق انسجام جامعه است که در سنت جامعه‌گرایی یافت می‌شود (دوایر، ۲۰۱۰).

جذابیت شهروندی صرفاً به دلیل منافی نیست که به فرد می‌رساند. شهروندی همواره ایده دوجانبه و اجتماعی است. این ایده نمی‌تواند صرفاً مجموعه حقوقی باشد که فرد را از تعهد به دیگران رها کند. حقوق همیشه به چهارچوبی برای پذیرششان و مکانیسم‌های برای تحقیقشان نیاز دارند. چنین چهارچوبی که شامل دادگاه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها و پارلمان‌ها می‌شود، بدان نیاز دارد که همه شهروندان وظیفه خود را در حفظ آن ایفا کنند؛ یعنی شهروندی علاوه بر حقوق بر وظایف و تعهدات نیز دلالت دارد. در اینجا مفید است که میان انواع مسئولیت‌ها و تعهدات تمایز قائل شویم. می‌توان وظایف را آن دسته از مسئولیت‌هایی تلقی کرد که به‌وسیله قانون مقرر می‌شود و برای احترام نگذاشتن فرد به آن‌ها مجازات‌هایی تعیین می‌شود. برعکس، تعهدات را باید داوطلبانه و تجلی همبستگی و پیوند ذهنی فرد با دیگران دانست (شیانی، ۱۳۸۱).

آشنایی با حقوق و وظایف شهروندی در افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، اعتمادپذیری و تعهد مدنی افراد جامعه مؤثر خواهد بود؛ چراکه تعهد مدنی بر توازنی استوار

1. Revi

2. liberal & communitarian

3. Anderson & Gibson

است که افراد بین نفع خود (فردی) و دیگران (جمعی) قائل‌اند؛ به عبارت دیگر، سهم دانستن خود در سرنوشت جمعی و ملاحظه خیر جمعی (برای منافع شهر یا بهبود جامعه) معرف تعهد مدنی به شمار می‌آید و در این زمینه اولویت‌ها، علایق و اهدافی که افراد برای آینده خود ترسیم می‌کنند، مشخص می‌کند که آنان تا چه اندازه نفع خود را با نفع عمومی یکی می‌دانند (ذکائی، ۱۳۸۲).

امروزه در تمام جوامع و نظام‌های سیاسی سخن از مشارکت فعال شهروندان است که همکاری بخش‌های دولتی، خصوصی و غیردولتی را توصیه می‌کند. مواردی از این گونه مشارکت‌ها، هیئت‌های شهروندی هستند که موفقیت درخورملاحظه‌ای را در بسیاری از کشورها از جمله انگلستان، آلمان و آمریکا به دست آورده‌اند. این هیئت‌ها برای مردم عادی امکان مشورت و ارائه پیشنهاد به کارگزاران و مسئولان در حوزه‌هایی نظیر بهداشت و آموزش فراهم می‌کنند. درحقیقت اعضای یک جامعه با آگاهی از حقوق و مسئولیت‌های خود و نهادهای موجود در جامعه به‌ویژه دولت در قالب هیئت‌های شهروندی و نظایر آن در عرصه‌های مختلف جامعه مشارکت می‌کنند. بدین‌سان، شهروندی چهارچوبی برای تعامل میان افراد، گروه‌ها و نهادها را در قالب حقوق، مسئولیت‌ها و تعهدات ارائه می‌کند (شیانی، ۱۳۸۴).

در چند دهه اخیر حقوق شهروندی به یکی از پیچیده‌ترین مسائل سیاسی و اجتماعی تبدیل شده و توجه متفکران و سیاست‌مداران زیادی را به خود جلب کرده است. جایگاه حقوق برای حل موفقیت‌آمیز مسائل مهم حکومت‌داری یعنی نیاز به توزیع عادلانه منابع و حفظ نظم بسیار حیاتی است و نقش مهمی را در حل برخوردهای اجتماعی ایفا کرده است؛ چراکه رعایت حقوق شهروندی منوط به شناسایی این حقوق در جامعه، چگونگی عمل به آن‌ها و نحوه ضمانت اجرایی آن‌هاست که خود عاملی مهم برای رشد شخصیت فردی و اجتماعی به شمار می‌رود (شیانی و دادوندی، ۱۳۸۹).

همان‌طور که گفته شد، طی دهه‌های گذشته به دلایل متعددی میزان توجه به حقوق شهروندی و آگاهی به آن در جامعه ایران بیشتر شده است که نیاز به انجام فراتحلیل در این موضوع احساس می‌شود. در تحقیق حاضر تلاش شد تا به این سؤال پاسخ داده شود که «در

تحقیقات انجام شده در زمینه حقوق شهروندی طی دو دهه اخیر، چه عواملی بیشترین تأثیر را بر آگاهی از حقوق شهروندی در ایران دارند؟»

یکی از دلایل پرداختن به این موضوع در دو دهه اخیر، افزایش اهمیت برخی از موضوعات اجتماعی مثل حقوق شهروندی در عصر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی است. بسیاری از دانشمندان و صاحب‌نظران علوم اجتماعی بر این باورند که رشد فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در دهه‌های اخیر ما را وارد عصر تازه‌ای کرده است. در بستر این عصر تازه، دانش ارتباطات موجب تحولات شگرفی در عرصه روابط اجتماعی شده است (عاملی، ۱۳۸۴، ص. ۲). در جامعه امروز، سیاست، حکومت و جوامع بیش از گذشته رسانه‌ای شده و حیات بشری به شکل شگفت‌آوری با رسانه‌ها عجین شده است (گیدنز، ۱۴۰۲، ص. ۴۷). از طرفی در جوامع امروزی مفهوم شهروندی معنایی بیش از عضویت در یک جامعه پیدا کرده است. کسب مهارت‌های شهروندی یا به عبارت دیگر، تبدیل شدن به شهروندی مؤثر و کارآمد، مستلزم آشنایی و آگاهی از حقوق و تکالیف، حساسیت نسبت به فرهنگ و منزلت انسانی است و همچنین رفتارهای مدنی مانند مشارکت اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه و انسان‌دوستانه و شرکت در انتخابات و حفظ نظم اجتماعی افراد را به شهروندان فعال و کارآمد جامعه تبدیل می‌کند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۲۷۸). نتایج تحقیقات مختلف (شیانی و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۳۹۳) نشان می‌دهد که رسانه‌ها می‌توانند به افزایش آگاهی‌ها، مهارت‌های شهروندی و شکل‌گیری رفتارهای مدنی کمک کنند. پرداختن به موضوع آگاهی از حقوق شهروندی در کشور ایران که در دو دهه اخیر شاهد گسترش استفاده شهروندان از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی بوده است، می‌تواند مهم باشد که در این تحقیق موضوع آگاهی از حقوق شهروندی در دو دهه اخیر بررسی شد.

۲. پیشینه مفهومی شهروندی

کوپر^۱ (۲۰۰۹) در بررسی مراحل انجام فراتحلیل اشاره می‌کند که در قسمت پیشینه تحقیق بیشتر به نظریه‌ها و تحقیقاتی اشاره شود که رابطه بین متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

1. Cooper

بررسی شده در فراتحلیل را نشان می‌دهند تا خواننده در ابتدا درکی کلی از مهم‌ترین نظریه‌هایی پیدا کند که در این حوزه وجود دارد. در همین راستا، در این قسمت از تحقیق حاضر به چند دیدگاه مهم در زمینه حقوق شهروندی اشاره می‌شود.

شهروندی از مفاهیم اجتماعی بسیار مهم است که محتوا و معنای خود را درون شبکه‌های مفهومی و در بستر تاریخی-اجتماعی آشکار کرده است. این مفهوم در فرایند تاریخی و به تبع تحولات پدیدآمده در جوامع، دگرگون شده است؛ چنانکه مکاتب و صاحب‌نظران مختلف این مفهوم را در زمینه‌های متفاوت بررسی کرده‌اند و هریک بر بعد یا ابعادی از آن تأکید کرده‌اند. در آرا و خط‌مشی‌های جمهوری خواهان یا سنت جمهوری خواهی مدنی، شهروندی مفهومی کلیدی است. شهروندان اعضای کامل و برابر یک اجتماع سیاسی‌اند و هویت آنان با مسئولیت‌ها و وظایف تعریف شده در آن اجتماع سیاسی شکل می‌گیرد. در جمهوری خواهی، شهروندی عمل است و کسی که در عمل درگیر نشود، شهروند تلقی نمی‌شود؛ یعنی عضویت کامل اجتماع سیاسی با انجام دادن تکالیف و وظایف شهروندی امکان‌پذیر می‌شود. در سنت لیبرال، شهروندی به مجموعه حقوق فردی تعریف می‌شود. گفته می‌شود که این حقوق چند کارکرد دارد. مهم‌ترین کارکرد حقوق فردی این است که استقلال فردی را به همراه می‌آورد و افراد رضایت می‌دهند بعضی آزادی‌هایشان را در ازای تأمین امنیت از سوی دولت واگذار کنند (شیانی و سپهوند، ۱۳۹۲، صص. ۴۷۲-۴۷۳).

مارشال بحث شهروندی را به سه بخش تقسیم می‌کند: عنصر مدنی در جهت تحقق آزادی‌های فردی ضروری است و از عناصری چون آزادی بیان، حق مالکیت و حق برخورداری از عدالت، عنصر سیاسی از حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی، به‌ویژه حق برخورداری از انتخابات آزاد و رأی مخفی به وجود آمده است. مارشال عنصر اجتماعی را به‌عنوان حق «برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و امنیت، حق سهیم شدن به‌طور کامل در میراث اجتماعی و همچنین حق زیستن به‌مانند یک موجود متمدن» تعریف کرد. این سه عنصر از قرن هفدهم تا قرن بیستم به‌تدریج شکل گرفتند و از طریق فرایند تفکیک نهادی که به‌وسیله آن عاملان اجتماعی بسط یافتند تا این حقوق را بیان کنند، تثبیت شده بودند. در کنار این سه عنصر، مجموعه‌ای از نهادها همچون دادگاه‌ها، پارلمان، شوراهای حکومت محلی،

نظام آموزشی و خدمات اجتماعی نیز وجود داشتند که به این حقوق نمود اجتماعی می‌دادند (نش، ۱۳۹۴).

مارشال در نظریه خود اصول و تعامل میان شهروندی و طبقه اجتماعی را در جامعه‌ای با نظام سرمایه‌داری به‌عنوان نظامی پویا مطرح می‌کند که در آن برخورد مدام میان شهروندی و طبقات اجتماعی تعیین‌کننده زندگی سیاسی و اجتماعی است؛ بدین صورت که فرایند تضمین حقوق اجتماعی موجب فرسایش تفاوت‌های طبقاتی می‌شود و مساوات‌طلبی شهروندی را تقویت می‌کند. در عین حال تهدید امتیاز طبقاتی واکنش دفاعی را برمی‌انگیزد و طبقه مسلط از نظر اقتصادی، از موقعیت خود در برابر بسط و گسترش حقوق اجتماعی دفاع می‌کند (اولیور و هیتر^۱، ۱۹۹۴، ص. ۳۴).

جانوسکی^۲ (۱۹۹۷) چهار نوع حقوق شهروندی را از هم متمایز می‌کند: حقوق قانونی شامل حق برای قرارداد بستن، آزادی بیان، آزادی مذهب، حقوق مالکیت و خدمات و...؛ حقوق سیاسی شامل حق رأی، حق تشکیل حزب سیاسی، حق اعتراض، جنبش و...؛ حقوق اجتماعی شامل حق آموزش، مستمری، غرامت بیکاری و...؛ حقوق مشارکت شامل حقوق مداخله در بازار کار، امنیت شغلی، خدمات ایجاد شغل و... (جانوسکی، ۱۹۹۷). جانوسکی معتقد است که شهروندی عضویت فعال و غیرفعال افراد در ملت-دولت با حقوق و تکالیف عام‌گرایانه مشخص می‌شود و در سطحی مشخص از برابری است. در تعریف جانوسکی چهار نکته اساسی مطرح شده است: اول اینکه شهروندی با عضویت در ملت-دولت شروع می‌شود؛ دوم اینکه شهروندی دارای حقوق و تکالیف معینی است؛ سوم اینکه حقوق شهروندی عام است و برای همه شهروندان جاری است؛ چهارم اینکه شهروندی حاکی از برابری حقوق و تکالیف در محدوده‌ای خاص است (یوسفی و هاشمی، ۱۳۸۷، ص. ۷).

برایان اس. ترنر^۳ (۲۰۰۸) بر این عقیده است که شهروندی علاوه بر اینکه فرصت حقوقی فراهم می‌کند، نوعی هویت فرهنگی خاص برای فرد و گروه نیز ایجاد می‌کند؛ این همان مفهومی است که در مورد سیاست هویت بحث می‌کند؛ بنابراین وقتی متفکران علوم سیاسی از

1. Oliver & Heater

2. Janoski

3. Turner

شهروندی سخن می‌گویند، منظورشان نحوه دسترسی به منابع اقتصادی و سیاسی است. از دیدگاه فلسفه سیاسی، شهروندی دارای آرمانی به نام «شهر خوب و متعالی» است که از کارکرد بهینه دموکراسی نشئت می‌گیرد. در واقع واژه شهروندی مبین ارتباط شهروندی با به وجود آمدن جامعه بورژوازی و به‌طور خاص با سنت‌های جامعه مدنی مرتبط است. به عقیده ترنر، منظور از منابع اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که هر شهروند از آن‌ها بهره‌مند می‌شود و به اصطلاح هر شهروند دارای حقوقی است. حقوق اقتصادی به نیازهای اساسی مانند غذا و سلامتی، حقوق فرهنگی، به امکان دسترسی به رفاه و آموزش و همچنین حقوق سیاسی به آزادی‌های متعارف و حق بیان مربوط می‌شود. مجموعه این حقوق را حقوق اجتماعی می‌گویند که از حقوق انسانی متمایز می‌شود. حقوق اجتماعی این فرض کلی را در بردارد که شامل کسانی می‌شود که عضو دولت - ملت هستند (کوزر، ۱۳۸۶).

ترنر به جای تعریف شهروندی در چهارچوبی ایستا از حقوق و تکالیف، آن را به‌عنوان فرایند تعریف می‌کند. شهروندی هم فرایندی دربرگیرنده است که منابعی را بازتوزیع می‌کند و هم فرایندی پردکننده است که هویت‌هایی را مبنای همبستگی مشترک یا تصویری می‌کند. حق احراز شهروندی علاوه بر فراهم آوردن معیارهای توزیع منابع کمیاب، درعین حال هویت‌های نیرومندی را پدید می‌آورد که نه تنها هویت‌های حقوقی‌اند، بلکه نوعاً دارای فرض‌هایی درباره قومیت، دین و جنسیت هستند (ترنر، ۱۳۸۴، ص. ۳۲). ترنر حقوق شهروندی را مجموعه‌ای از حقوق قانونی و رسمی می‌داند که برای یک جامعه معین تعریف شده است و در آن شهروند مدعی برخورداری از منابع ملی می‌شود. شهروند دارای منابع مهم اقتصادی چون مسکن، درآمد، منابع سیاسی، آزادی بیان و منابع فرهنگی چون تعلیم و تربیت و آموزش است. ترنر به نقش اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه و افراد توجه دارد و معتقد است آگاهی از حقوق در میان اقوام مختلف متفاوت است. در بین وضعیت اجتماعی باید به نقش رسانه‌های جمعی توجه ویژه کرد؛ چراکه همچون واسطه‌ای بر آگاهی اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارند (حاج‌زاده و منصور، ۱۳۹۲، ص. ۶۲).

سیزر و هبرت^۱ (۲۰۰۵) در تحلیل ابعاد شهروندی بیان می‌کنند که شهروندی دارای چهار بعد است: بعد مدنی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی-اقتصادی و بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی. بعد مدنی شهروندی به شیوه زندگی شهروندان که معمولاً در راستای اهداف آزادمنشانه جامعه است، اشاره دارد. بعد سیاسی شهروندی به‌طور عمده شامل حق رأی و مشارکت سیاسی شهروندان است. بعد اجتماعی و اقتصادی شهروندی به ارتباط بین افراد در موقعیتی اجتماعی و همچنین به مشارکت در فضای باز سیاسی اشاره دارد (فالکس، ۱۳۹۰).

جیمز کلمن^۲، وجوه چهارگانه‌ای را با تأکید بر برابری حقوق مدنظر قرار داده است. شهروندی از نظر او یعنی برابری اساسی انسانی از عضویت کامل فرد در یک جامعه سیاسی ملی ناشی می‌شود و در حقوق رسمی برابر تمامی شهروندان تجسم یابد. کلمن وجود دو هنجار یا قاعده را برای تحقق حقوق شهروندی حائز اهمیت می‌داند که عبارت‌اند از: نظم حقوق عام‌گرا و هنجار موفقیت. نظم حقوق عام‌گرا به معنی برتری هنجارهای عام بر هنجارهای خاص در حوزه روابط حکومت با شهروندان است که برای تحقق حقوق برابر شهروندی اهمیت دارد. او این حقوق مساوات در برابر قانون (برابری در حقوق یا امتیازات) را لازم می‌شمارد. هنجارهای موفقیت به معنی اولویت هنجارهای اکتسابی بر هنجارهای انتسابی در اعطای نقش‌های سیاسی و دیوانی است. هنجارهای اکتسابی در کنار حقوق عمومی شهروندی درخصوص آموزش و پرورش، رعایت اصل برابری در فرصت اولیه را تضمین می‌کند (یوسفی و هاشمی، ۱۳۸۷، ص. ۶).

پارسونز^۳ شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که درنهایت به انسجام اجتماعی منجر می‌شود. شهروندی کامل به معنی برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق است که باید آن را بشناسند و دیگران نیز این حقوق را محترم بشمارند. به‌زعم وی، گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و دیدی خاص‌گرایانه

1. Sezer & Hebert

2. Colman

3. Parsons

دارند؛ خود را با مقتضیات زمان و وضعیت اجتماعی وفق نداده‌اند و درکی از «حقوق شهروندی» ندارند (توسلی و نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، ص. ۳۷). از نظر پارسونز، شهروندی کامل به دور از هرگونه تبعیض اجتماعی به معنی برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از حقوق و تعهدات شهروندی و آگاهی آنان از حقوق خود است؛ بنابراین آگاهی از حقوق شهروندی نیازمند تأمین انواع مختلف منابع و ایجاد فرصت‌های مناسب و بازتولید ارزش‌های عام از یک طرف و نگرش مناسب به این حقوق از سوی دیگر است. مهم‌ترین موضوع مدنظر پارسونز، گروه‌هایی است که از امتیازهای شهروندی محروم‌اند؛ به‌عنوان مثال او این پرسش را مطرح می‌کند که «چه چیزی مانع بهره‌مندی سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده است؟» او در پاسخ به این سؤال به نقش اندیشه توجه می‌کند و موضوع ارزش‌های فرهنگی را پیش می‌کشد. به نظر او گروه‌هایی که همچنان بر ارزش‌های کهن خود تأکید دارند و خود را با مقتضیات زمان و وضعیت اجتماعی وفق نداده‌اند، درکی از حقوق و امتیازات شهروندی نخواهند داشت (شیانی و دادوندی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین افرادی که دارای نگرش‌های خاص گرایانه هستند، آگاهی کمتری از حقوق خود دارند. در این میان آموزش نقش مهمی در جامعه‌پذیری یکپارچه و گسترده افراد و ارائه نگرش‌های عام‌گرایانه ایفا می‌کند تا به تبع آن زمینه آگاهی افراد از حقوق و به تبع آن از وظایفشان فراهم شود (هزارجوبی و امانیان، ۱۳۹۰، ص. ۹).

هابرماس^۱ معتقد است که شهروندی ناشی از تمایز حوزه اقتصادی-سیاسی و شکل‌گیری حوزه جدیدی به نام حوزه عمومی است. تنها در بافت حوزه عمومی و جامعه مدنی است که افراد به‌عنوان شهروندان دارای حقوق، عضو تمام‌عیار جامعه خود می‌شوند. در جامعه مدنی تصمیم‌گیری‌ها از طریق فرایندهای جمعی و مشارکت فعالانه شهروندان در قالب نهادها، انجمن‌ها و گروه‌های مدنی صورت می‌گیرد. کار این نهادها و گروه‌ها این است که با ایجاد زمینه مشارکت، آگاهی افراد را افزایش دهند؛ بر همین مبنا، وی مشارکت را معرف اصلی شهروندی می‌داند و آن را به گونه‌های مختلف تحلیل کرده است. به‌زعم هابرماس، حقوق شهروندی تنها در نظام حقوقی مدرن قابل‌شناسایی است و هسته اصلی نظام حقوقی مدرن

1. Habermas

فرد را می‌سازد. از طرفی شهروندان نیز باید به مشارکت فعال در جامعه بپردازند و براساس احترام متقابل با یکدیگر متحد شوند (هابرماس، ۱۹۹۲، ص. ۳۵۰)

فالكس^۱ اجزای تشکیل‌دهنده شهروندی را افزون بر حقوق، مسئولیت‌ها و مشارکت سیاسی دانسته و مهم‌ترین بستر آن را اخلاق مشارکت در جامعه سیاسی دموکرات تعیین کرده است. از نظر وی، اهمیت شهروندی در توان برقراری ارتباط مناسب میان فرد و جامعه سیاسی است؛ به نحوی که خلأ برابری که با هویت‌یابی نظریه طبقه، مذهب یا قومیت ایجاد می‌شود، با وجود آن از بین می‌رود (فالكس، ۱۳۹۰).

فالكس (۱۳۹۰) ارتقای شهروندی را در گام اول مستلزم رسمیت بخشیدن به حقوق و مسئولیت‌های شهروندان فعال و جامعه سیاسی در قبال یکدیگر و دومین گام را تأمین حقوق اجتماعی همه اعضای جامعه از طریق برآوردن نیازهای اساسی آن‌ها دانسته است. توجه به «شهروندی خصوصی» سومین شیوه‌ای است که به ارتقای شهروندی منجر می‌شود. این اصطلاح به کاربرد اصول شهروندی و زندگی خصوصی افراد می‌پردازد. شهروندی خصوصی متضمن دموکراتیک کردن حوزه خصوصی با بها دادن به ارزش‌های اخلاقی مشارکت و برابری است. از آنجاکه دموکراتیک شدن حوزه خصوصی در نهایت با دموکراتیک شدن فرایندهای اجتماعی همراه است، به ارتقای شهروندی می‌انجامد. این صاحب‌نظر در نهایت استدلال می‌کند در یک جامعه جهانی، بقای شهروندی با اتکا به شکل بسته و انحصاری دولت‌های ملی و منطقه‌ای دشوار است.

۳. روش‌شناسی تحقیق

فرا تحلیل^۲ مجموعه‌ای از روش‌های آماری برای ترکیب نتایج کمی از چندین مطالعه به منظور تولید خلاصه کلی از دانش تجربی در حوزه‌ای خاص است (لیپسی و ویلسون^۳، ۲۰۰۱). این روش در حوزه‌هایی از علم که انباشت دانش زیادی روی داده است، استفاده می‌شود تا تأثیر گروهی از عوامل را بر مورد خاص یا تأثیر عامل بر عامل دیگر را در تعدادی از

-
1. Falks
 2. Meta-analysis
 3. Lipsey & Wilson

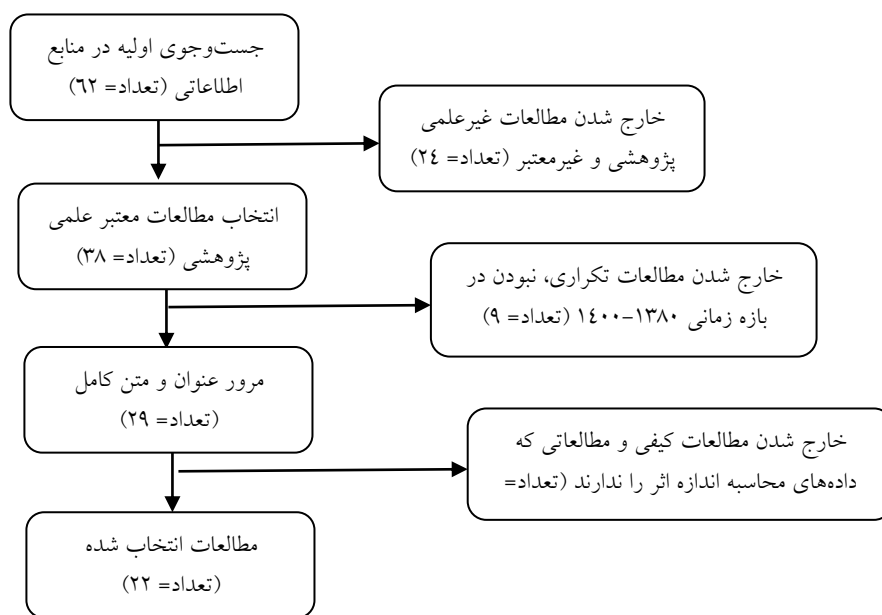
تحقیقات بسنجد (لیتل^۱ و همکاران، ۲۰۰۸). امروزه، فراتحلیل را به عنوان بخش آماری مرور نظام مند^۲ در نظر می گیرند که یک سؤال تحقیق مشخص و تعریف شده دارد و از روش های دقیق و منظم برای شناسایی، انتخاب و ارزیابی تحقیقات مرتبط و جمع آوری و تحلیل داده ها از تحقیقاتی که شامل این مرور می شوند، استفاده می کنند.

در فراتحلیل، ادبیات موضوع از منابع مکتوب مرور نظام مند می شود تا مشخص شود که بر مبنای تحقیقات گذشته، اثر یک متغیر روی متغیر دیگر چقدر است. این روش مشابه با تحقیقات مقطعی است که در آن موضوع مطالعه شده به جای افراد، نتایج تحقیقات است. فراتحلیل یک نوع مرور ادبیات است که در آن برای تلخیص یافته های پژوهش های مختلفی که روی موضوع واحدی انجام شده است، از روش های کمی استفاده می شود. در اینجا به این نکته تأکید می شود که فراتحلیل فقط زمانی به کار می رود که مطالعات بررسی شده کمی باشند. در فراتحلیل ابتدا موضوع انتخاب می شود. سپس مسئله فرموله می شود و مطالعاتی جمع آوری می شوند که با موضوع مرتبطاند و همگی فرضیه یکسانی را بررسی کرده اند. مشخصه های مطالعات کدگذاری و استخراج شده و آمارها و میانگین و سایر داده های آماری به اندازه اثر^۳ تبدیل می شود. در نهایت، اندازه اثرها با هم ترکیب شده و اندازه اثرهای ترکیب شده تفسیر می شود (برون استین و همکاران، ۲۰۰۹).

در این تحقیق ابتدا با استفاده از روش مرور نظام مند مقالات بررسی شد. در مرور نظام مند به موضوعاتی مانند حوزه بررسی مطالعات، روش تحقیق مقالات، جمعیت آماری و متغیرهای استفاده شده در مقالات پرداخته می شود. بعد از مرور نظام مند، به بررسی اندازه اثر هر یک از متغیرها پرداخته شد. جامعه آماری این مطالعه، همه تحقیقات با موضوع آگاهی از حقوق شهروندی در ایران بودند که از سال های ۱۳۸۰ تا سال ۱۴۰۰ در مجلات معتبر علمی-پژوهشی تأیید شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری منتشر شدند. مقالات در پایگاه های مگیران، نورمگز و پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی با کلیدواژه های «حقوق شهروندی»، «آگاهی از حقوق شهروندی» و «آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی» جست و جو

1. Littlel
2. Systematic review
3. Effect size

شدند که بعد از مطالعه چکیده و آماره‌های موردنیاز برای انجام دادن فراتحلیل در قسمت روش و نتایج (مثل حجم نمونه، ضریب همبستگی یا رگرسیونی به همراه سطح معناداری) پالایش شدند که در نهایت ۲۲ مقاله برای فراتحلیل، مناسب تشخیص داده شدند. شکل ۱ فلوجارت استراتژی جست‌وجو و انتخاب مطالعات را نشان می‌دهد.



شکل ۱. فلوجارت استراتژی جست‌وجو و انتخاب مطالعات

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

برای تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده از پژوهش‌های مدنظر، پس از کدگذاری، از برنامه فراتحلیل جامع^۱ برای انجام محاسبات آماری فراتحلیل استفاده شد؛ بدین ترتیب که آزمون-های آماری استفاده شده در فرضیه‌ها از طریق فرمول‌های ارائه شده توسط وولف^۲ به اندازه اثر ترکیبی به روش هانتز و اشمیت^۳ تبدیل شدند. همچنین برای تفسیر اندازه اثر از جدول کوهن^۴ بهره گرفته شد (مطابق جدول ۱).

1. comprehensive meta-analysis
2. Wolf
3. Hunter & Schmitz
4. Cohen

جدول ۱. جدول توزیع طبقات اندازه اثر بر مبنای برآورد آماره‌ها

مأخذ: کوهن، ۱۹۷۷

مقدار d	مقدار r	معنی اندازه اثر
کمتر از ۰/۵	کمتر از ۰/۳	اندازه اثر کم
از ۰/۵ تا ۰/۸	از ۰/۳ تا ۰/۵	اندازه اثر متوسط
۰/۸ و بیشتر	۰/۵ و بیشتر	اندازه اثر زیاد

۴. یافته‌های تحقیق

نتایج تحقیق نشان داد که روش به‌کاررفته در همه ۲۲ مقاله بررسی شده، توصیفی-تحلیلی بوده و ابزار جمع‌آوری داده در همه این مقالات، پرسش‌نامه بود.

۴.۱. مرور نظام‌مند

جدول ۲ نشان‌دهنده توزیع فراوانی و درصدی برحسب میانگین آگاهی از حقوق شهروندی در تحقیقات مرور شده در این زمینه است. نتایج این جدول نشان می‌دهد که ۵۸/۵ درصد (۱۳ مورد) از تحقیقات بررسی شده، میانگین متوسط را برای آگاهی از حقوق شهروندی برای پاسخ‌گویان خود گزارش کرده‌اند و این مقدار دارای بیشترین میزان است. بعد از آن، میانگین در حد زیاد با ۲۷ درصد (۶ مورد) بیشترین میزان را دارد. میانگین کم با ۱۳/۵ درصد (۳ مورد) کمترین میزان دارد.

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصدی بر حسب میانگین آگاهی از حقوق شهروندی^۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

میانگین	تعداد	درصد
کم	۳	۱۳/۵
متوسط	۱۳	۵۸/۵
زیاد	۶	۲۷

۱. نمرات میانگین در این تحقیقات ابتدا با فرمول هم‌ارزی نمرات زیر (به نقل از دواس، ۱۳۸۶) هم‌ارز شده و بعد از آن در سه طبقه کم، متوسط و زیاد دسته‌بندی شدند.

تعداد نمرات در توزیع * بازه توزیع / (حداقل نمرات توزیع قدیمی - نمره در مقیاس قدیمی) = نمره در مقیاس جدید.

میانگین	تعداد	درصد
جمع کل	۲۲	۱۰۰

جدول ۳ توزیع فراوانی و درصدی برحسب جامعه بررسی شده در تحقیقات مرور شده در زمینه آگاهی از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. طبق داده‌های جدول ۳، ۵۸/۵ درصد (۱۳ مورد) از تحقیقات مرور شده بر شهروندان زن و مرد تمرکز کردند که دارای بیشترین میزان است. بعد از آن، جامعه دانشجویان و دانش‌آموزان با ۲۷ درصد (۶ مورد)، رتبه بعدی را به خود اختصاص داده است. همچنین جمعیت آماری شهروندان زن با ۱۳/۵ درصد (۳ مورد) کمترین میزان را دارد.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصدی جامعه آماری مقالات بررسی شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

جامعه آماری	تعداد	درصد
شهروندان زن و مرد	۱۳	۵۸/۵
دانشجویان و دانش‌آموزان	۶	۲۷
شهروندان زن	۳	۱۳/۵
جمع کل	۲۲	۱۰۰

جدول ۴ توزیع فراوانی و درصدی برحسب متغیرهای حاضر در فرضیه تحقیقات مرور شده در زمینه آگاهی از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. براساس فرضیه‌های طرح شده در تحقیقات مرور شده، به استخراج و طبقه‌بندی متغیرهای مرتبط با آگاهی از حقوق شهروندی پرداخته شد. این متغیرها ۳۴ تاست. در جدول ۴ هر یک از متغیرهای حاضر در فرضیه‌های تحقیقات برگزیده، برحسب تعداد و فراوانی حضور هر یک در فرضیه‌ها آورده شده است. همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد، با توجه به تعدد حضور متغیرها در فرضیه‌های تحقیقات برگزیده، متغیر تحصیلات با ۱۲ مورد، سن با ۱۱ مورد و جنسیت با ۹ مورد بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از آن‌ها، متغیر استفاده از رسانه‌های جمعی با ۸ مورد و متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مشارکت اجتماعی با ۷ مورد بیشترین میزان را دارند.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد نسبی عوامل تأثیرگذار بر آگاهی از حقوق شهروندی در مقالات
بررسی شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

ردیف	عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی	تعداد	درصد نسبی
۱	تحصیلات	۱۲	۵۴
۲	سن	۱۱	۴۹/۵
۳	جنسیت	۹	۴۰/۵
۴	استفاده از رسانه جمعی	۸	۳۶
۵	پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مشارکت اجتماعی	۷	۳۱/۵
۶	نگرش به حقوق شهروندی، درآمد، نگرش به مشارکت، آگاهی سیاسی، شغل، طبقه اجتماعی	۲	۹
۷	قومیت، آموزش، محل تولد، رشته تحصیلی، شهروندی فعال، پیگیری اخبار و وقایع، نگرش به دخالت دولت، ملی‌گرایی، آگاهی از حقوق دانشجویی، آگاهی از وظایف شهروندی، فعال‌گرایی، توسعه مناطق شهری، جامعه‌پذیری جنسیتی، تقسیم جنسیتی کار خانگی، وضعیت تأهل، تعهدات و اخلاق شهروندی، انتظار شهروندان از دولت، وظایف شهروندان در قبال دولت، جو سیاسی خانواده، فرصت‌ها و بسترهای اجتماعی، عضویت در طایفه، ارزیابی از اقدامات لازم برای بهبود وضعیت شهر، ارزیابی از اقدامات لازم برای رفع مشکلات شوراها	۱	۴/۵

جدول ۵ توصیف تحقیقات مرور شده برحسب منطقه یا قلمرو جغرافیایی بررسی شده را نشان می‌دهد. مطابق نتایج این جدول، بیشتر این تحقیقات در منطقه مرکز کشور (شامل استان‌های تهران و سمنان) با ۵۴ درصد انجام شده است. بعد از آن منطقه غرب کشور (استان‌های لرستان و کردستان) با ۳۱/۵ درصد قرار دارد. مناطق شرق کشور (استان‌های خراسان رضوی و شمالی) و جنوب کشور (استان خوزستان) نیز در رده‌های بعدی قرار دارند.

جدول ۵. توصیف تحقیقات مرور شده بر حسب منطقه یا قلمرو جغرافیایی بررسی شده

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

درصد	تعداد	منطقه یا قلمرو جغرافیایی بررسی شده
۵۴	۱۲	مرکز کشور (استان‌های تهران و سمنان)
۳۱/۵	۷	غرب کشور (استان‌های لرستان و کردستان)
۹	۲	شرق کشور (استان‌های خراسان رضوی و شمالی)
۴/۵	۱	جنوب کشور (استان خوزستان)
۱۰۰	۲۲	جمع

۴.۲. اندازه اثر هریک از عوامل مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی

جدول ۶، شش مورد از بیشترین اندازه‌های اثر متغیرهای مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی را نشان می‌دهد. معناداری در آزمون ناهمگونی رابطه مشارکت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی در ۷ مطالعه حکایت از این دارد که مطالعات تا حد ناهمگون‌اند و تلفیق آن‌ها با مدل آثار تصادفی موجه است. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه مشارکت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی در ۷ فرضیه حدود ۰/۳۲ و معنادار است. با توجه به جدول کوهن می‌توان نتیجه گرفت که اندازه اثر ترکیبی مشارکت اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی در ۷ مطالعه در حد متوسط است.

نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد که رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و آگاهی از حقوق شهروندی، در ۷ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۲۷ و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن، این اندازه اثر در حد ضعیف قرار دارد. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه استفاده از رسانه‌های جمعی و آگاهی از حقوق شهروندی در ۸ فرضیه حدود ۰/۲۶ و معنادار است. با توجه به جدول کوهن می‌توان نتیجه گرفت این اندازه اثر در حد ضعیف است.

نتایج اثرات تصادفی نشان می‌دهد، رابطه سن و آگاهی از حقوق شهروندی، در ۱۱ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۱۴ و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن، این اندازه اثر در حد ضعیف قرار دارد. نتایج اثرات ترکیبی تصادفی نشان می‌دهد که رابطه جنسیت و

آگاهی از حقوق شهروندی در ۹ فرضیه حدود ۰/۱۳ و معنادار است. با توجه به جدول کوهن می توان نتیجه گرفت که این اندازه اثر در حد ضعیف است. نتایج اثرات تصادفی نشان می دهد که رابطه تحصیلات و آگاهی از حقوق شهروندی، در ۱۲ فرضیه بررسی شده معادل ۰/۱۲ و معنادار است. با توجه به جدول تفسیر اندازه اثر کوهن، این اندازه اثر در حد ضعیف قرار دارد.

جدول ۶. یافته های فراتحلیل حاضر با ترکیب اندازه اثر به روش اشمیت و هانتز

مأخذ: یافته های پژوهش، ۱۴۰۲

درجه آزادی	آزمون همگنی	فاصله اطمینان اثرات تصادفی	فاصله اطمینان اثرات ثابت	اثرات ترکیبی تصادفی	اثرات ترکیبی ثابت	تعداد مطالعه	آماره متغیرهای مستقل
۲	۴۲/۱*	۰/۰۴ - ۰/۴۶	۰/۱۸ - ۰/۲۷	۰/۳۲*	۰/۳۰*	۷	مشارکت اجتماعی
۴	۶۷/۹*	۰/۰۷ - ۰/۴۴	۰/۲۱ - ۰/۳۰	۰/۲۷*	۰/۲۶*	۷	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
۴	۲۹/۲*	۰/۱۴ - ۰/۳۶	۰/۱۹ - ۰/۲۶	۰/۲۶*	۰/۲۳*	۸	استفاده از رسانه جمعی
۹	۱۴۴/۶*	۰/۰۵ - ۰/۳۶	۰/۱۰ - ۰/۱۶	۰/۱۴*	۰/۱۳*	۱۱	سن
۶	۴۶/۵*	۰/۰۱ - ۰/۲۳	۰/۰۹ - ۰/۱۷	۰/۱۳*	۰/۱۲*	۹	جنسیت
۱۰	۱۸۷/۴*	۰/۰۱ - ۰/۲۳	۰/۰۸ - ۰/۱۳	۰/۱۲*	۰/۱۰*	۱۲	تحصیلات

* سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است و معناداری دارد.

۵. نتیجه گیری و پیشنهادها

رفاه و امنیت هر جامعه ای در گرو مشارکت و همکاری اعضای آن است، اما مردم زمانی مشارکت خواهند کرد که هریک به عنوان یک شهروند به رسمیت شناخته شوند. این موضوع مهم مستلزم آگاهی و شناخت کافی شهروندان از حقوق و تکالیف شهروندی است. تحقیق حاضر با مرور انتقادی تحقیقات شهروندی در صدد شناسایی آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن انجام شد.

نتایج مرور نظام مند نشان داد که در بیشتر تحقیقات میزان آگاهی از حقوق شهروندی در ایران در حد متوسط است و آشنایی با حقوق و تکالیف شهروندی بر افزایش احساس مسئولیت اجتماعی، اعتماد پذیری و تعهد مدنی افراد جامعه مؤثر است. به علاوه افزایش آگاهی

شهروندی زمینه مشارکت بیشتر شهروندان را در امور جامعه فراهم می‌کند و باعث می‌شود متصدیان امور پاسخ‌گویی بیشتری در مقایسه با قبل داشته باشند و رفاه و امنیت در جامعه گسترش بیشتری پیدا کند؛ باین حال، در تحقیقات داخلی بر حقوق شهروندی بیش از تکالیف شهروندی توجه شده است.

به‌علاوه درحالی‌که در تحقیقات داخلی بر عوامل زمینه‌ای آگاهی شهروندی همچون تحصیل، سن و جنسیت تأکید شده، به تأثیر آن‌ها چندان توجه نشده است، اما عواملی همچون مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مصرف رسانه‌ای که تأثیرگذار بوده‌اند، کمتر مدنظر قرار گرفته‌اند. چنانکه مارشال (۱۹۹۴) بر رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی و شهروندی، هابرماس (۱۹۹۴) بر رابطه مشارکت اجتماعی و شهروندی و پارسونز (۱۹۵۶) بر مصرف رسانه‌ای و شهروندی تأکید ورزیده‌اند.

تحقق شهروندی نیازمند حرکت دو سویه است: از یک سو حرکت از بالا به پایین است که همان ایجاد فرصت برای مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاسی از طریق نهادها و ساختارهای تسهیل‌کننده است و دیگری حرکت از پایین به بالا است که همان آگاهی شهروندی و تمایل شهروندان برای ورود به فرایندهای مشارکت جویانه در عرصه عمومی است. در جامعه ایران هر دو فرایند پیش‌گفته دچار اختلال است؛ به‌طوری‌که ساختار دولت به دلیل اتکا به درآمدهای نفتی، تکیه کمتری به مردم دارد و تمرکز نظام تصمیم‌گیری نیز مانع ساختاری برای تسهیل مشارکت شهروندان محسوب می‌شود. مشارکت در چنین ساختاری بیشتر به حفظ سیستم معطوف می‌شود تا اصلاح و دگرگونی آن و فرایندهای مشارکت داوطلبانه و احساس شهروندی در چنین فضایی رونق لازم را ندارد. تأثیر مشارکت بر آگاهی از حقوق شهروندی در راستای نتایج تحقیقات پیشین مانند مطالعات بهرامی و همکاران (۱۳۹۶)، حاتمی و مصطفایی (۱۳۹۱)، شیانی و دادوندی (۱۳۸۹)، شیانی و فاطمی نیا (۱۳۸۸)، اسکافی (۱۳۸۶) و شیانی (۱۳۸۱) است.

به‌علاوه در چنین ساختاری که تمرکز قدرت در دست دولت است، تعریف شهروندی و حقوق و تکالیف شهروندان نیز به‌طور عمیق تحت تأثیر رسانه‌های دولتی است و غالباً به آن دسته از آگاهی‌های شهروندی منجر می‌شود که در آن تعهدات سیاسی و وظایف مدنی

برجسته می‌شود. این نوع آگاهی آموزش نوعی وفاداری به دولت تلقی می‌شود. در چنین وضعیتی، حضور و مشارکت شهروندان در جهت مشروعیت بخشی سیاسی به حساب می‌آید؛ این در حالی است که بخش گسترده رسانه‌های جمعی مثل ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی که در ایران استقبال روزافزون شده است، منبع کنترل خارجی دارد و از کنترل رسانه‌های دولتی خارج است؛ بنابراین ارزش‌هایی را تبلیغ می‌کند که به آگاهی شهروندان و افزایش مطالبات و درخواست‌های مردم از مسئولان دولتی منجر می‌شود؛ از این رو انتظار می‌رود در این قسمت، مشارکت مردم همراه با اعتراض‌هایی برای احقاق حق و حقوق خود باشد. نتایج تحقیقات پیشین مثل مطالعات باقری و رستمی (۱۳۹۹)، شیانی و سپهوند (۱۳۹۳)، ولیخانی و امینی (۱۳۹۱)، حاتمی و مصطفایی (۱۳۹۱)، هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)، سلطانی و همکاران (۱۳۹۰) و رسولی و زنده‌بودی (۱۳۸۹) نیز حکایت از تأثیر رسانه بر آگاهی از حقوق شهروندی دارد.

پایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز تبیین‌کننده مناسبی از آگاهی از حقوق شهروندی در ایران است. شهروندی نیازمند منابع برای شناخت و آگاهی، کسب تجارب و مهارت‌های فکری و مشارکتی و برخورداری از رفاه نسبی است. اگر جامعه‌ای در ارائه منابع ضروری شکست بخورد و به نفع گروه‌های خاص عمل کند، شهروندی دچار نقصان می‌شود. منابع زیربنای اصلی توانمندی افراد و گروه‌ها در جامعه است که برخی به صورت حقوق در سنت لیبرال‌ها آمده و بخشی به شکل منابع اقتصادی و اجتماعی مورد نظر رویکردهای جمع‌گرایانه بوده است؛ پس افراد در هر جامعه نیازمند توانمندی از طریق مناسبات مختلف هستند که شرطی لازم برای تحقق شهروندی است. تأثیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی بر آگاهی از حقوق شهروندی در راستای نتایج تحقیقات پیشین مانند مطالعات بهرامی و همکاران (۱۳۹۸)، شیانی و سپهوند (۱۳۹۲)، کلدی و پورهناد (۱۳۹۱)، ولیخانی و امینی (۱۳۹۱)، فتحی و مختارپور (۱۳۹۰) و اسکافی (۱۳۸۶) است.

به نظر می‌رسد تنها راه حل تقویت شهروندی واقعی، تقویت عملکرد مدنی دولت و تنظیم رابطه دوسویه دولت و شهروندان براساس دو قاعده عام‌گرایی و هنجار موفقیت است. بر مبنای قاعده نخست، لازمه شهروندی این است که دولت هنجارهای عام از جمله قوانین را بر

هنجارهای خاص یا هر ملاحظه‌ی دیگری مقدم شمارد و بر مبنای قاعده دوم، هنجارهای موفقیت و عملکردی را اساس تحرک و کسب فرصت‌های اجتماعی قرار دهد. با توجه به تأثیر مشارکت اجتماعی بر آگاهی از حقوق شهروندی می‌توان پیشنهادهایی ارائه کرد:

۱. تدوین و برنامه‌ریزی جامع برای نهادینه کردن حقوق و وظایف شهروندی در عرصه‌های عمومی و خصوصی در جامعه و همچنین مطالعه و بررسی ارزش‌ها و تقویت ارزش‌های چون عام‌گرایی، اخلاق مشارکتی و مدنی برای افزایش آگاهی و تبدیل شدن به شهروندی فعال؛
 ۲. معرفی تشکل‌ها، انجمن‌ها سمن‌ها، سازمان‌های غیردولتی و... در زمینه‌های مختلف به شهروندان و تشریح فعالیت‌های مختلف آنان برای افزایش میزان حضور در عرصه‌های عمومی.
- همچنین با توجه به تأثیر مشارکت اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مصرف رسانه‌ای بر آگاهی از حقوق شهروندی می‌توان راهکارهایی پیشنهاد کرد:
۱. استفاده از ظرفیت‌های سازمان صداوسیما برای تولید برنامه‌هایی با موضوع شهروندی؛
 ۲. نمایش و اجرای برنامه‌هایی در قالب حقوق شهروندی از طریق برنامه‌هایی با موضوعات جذاب و پربیننده در برنامه‌های تلویزیونی؛
 ۳. بازنگری برنامه‌های رسانه‌های گروهی و گنجانیدن موضوعات شهروندی در محتوای برنامه‌ها؛
 ۴. فراهم آوردن زمینه مناسب برای مطالبه حقوق شهروندی از طریق برنامه‌های تلویزیونی، پیامکی و سامانه اینترنتی.

کتابنامه

۱. پورعزت، ع.، قلی‌پور، آ.، و باغستانی‌برزکی، ح. (۱۳۸۹). رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان‌ها. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۰(۳۸)، ۷-۴۱.

۲. توسلی، غ.، و نجاتی حسینی، م. (۱۳۸۳). *واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران*. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵(۲)، ۳۲-۶۲.
۳. حاجزاده، م.، و منصوری، ا. (۱۳۹۲). *سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی*. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۱۲(۱)، ۵۷-۷۶.
۴. حسام، ف. (۱۳۸۱). *هویت شهروندی*. اندیشه و پژوهش، ۵(۵۱)، ۱-۲۲.
۵. دهقان، ع. (۱۳۷۸). *بررسی تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی*. مجله نامه علوم اجتماعی، ۱۳(۱)، ۳-۲۵.
۶. ذکائی، م. (۱۳۸۲). *جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی*. فصلنامه مطالعات جوانان، ۳(۲)، ۴-۳۵.
۷. شیانی، م. (۱۳۸۱). *تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان*. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۳(۱)، ۶۰-۸۰.
۸. شیانی، م. (۱۳۸۴). *فقر، محرومیت و شهروندی در ایران*. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۵(۱۸)، ۴۱-۸۱.
۹. شیانی، م.، و دادوندی، ط. (۱۳۸۹). *تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندی در دانشجویان*. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۵(۱)، ۳۵-۵۹.
۱۰. شیانی، م.، و سپهوند، ا. (۱۳۹۳). *رابطه کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیونی و آگاهی از حقوق شهروندی*. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴(۲)، ۲۶۷-۲۹۹.
۱۱. شیانی، م.، و فاطمی‌نیا، س. (۱۳۸۹). *میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تکالیف شهروندی*. راهبرد یاس، ۱۱(۱)، ۱۰۳-۱۲۹.
۱۲. عاملی، س. (۱۳۸۴). *دو فضایی شدن شهر: شهر مجازی ضرورت بنیادین برای کلان شهرهای ایران*. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱(۳)، ۱۱۷-۱۳۴.
۱۳. فالکس، ک. (۱۳۹۰). *شهروندی* (م. ت. دلفروز، مترجم). تهران: انتشارات کویر.
۱۴. فتحی، س.، و مختارپور، م. (۱۳۹۰). *توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی*. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۳(۴)، ۸۹-۱۱۶.
۱۵. گیدنز، آ. (۱۴۰۲). *جامعه‌شناسی* (م. صبوری کاشانی، مترجم). تهران: نشر نی.
۱۶. محمودی، ا.، حبیب‌زاده ملکی، ا.، و نوابخش، م. (۱۳۹۹). *طراحی و ارائه الگوی رسانه‌ای حقوق شهروندی ایرانیان*. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۱۶(۵۹)، ۲۷۵-۳۰۹.
۱۷. نجاتی حسینی، م. (۱۳۸۰). *جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت*. فصلنامه مدیریت شهری، ۵(۲)، ۷-۱۵.

۱۸. نش، ک. (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت (م. ت. دلفروز، مترجم). تهران: انتشارات کویر.
۱۹. هزارجریبی، ج.، و امانیان، ا. (۱۳۹۰). آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۹(۲)، ۱-۱۸.
۲۰. یوسفی، ع.، و عظیمی هاشمی، م. (۱۳۸۷). احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱(۳)، ۳-۲۳.

21. Anderson, E., & Gibson, S. (2020). Social citizenship and social psychology. *Social and Personality Psychology Compass*, 14(3), 12510.
22. Cohen, J. (1977). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. New York: Academic Press.
23. Condor, S. (2011). Towards a social psychology of citizenship? Introduction to the special issue. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 21, 193–201.
24. Cooper, H. M. (2009). *Research synthesis and meta-analysis: A step-by-step approach*. Thousand Oaks, CA: Sage.
25. Dwyer, P. (2000). *Welfare rights and responsibilities: Contesting social citizenship*. Bristol: Policy Press.
26. Dwyer, P. (2010). *Understanding social citizenship: Themes and perspectives for policy and practice* (2nd ed.). Bristol: Policy Press.
- Falks, K. (1998). *Citizenship in modern Britain*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
27. Habermas, J. (1992). Citizenship and National Identity: some reflections on the feature of Europe. In B. S. Turner, and P. Hamilton (Eds.). *Citizenship critical concept*. London: Routledge.
28. Humpage, L. (2014). *Policy change, public attitudes and social citizenship: Does neoliberalism matter?* Bristol: Policy Press.
29. Isin, E. F., & Nielsen, G. M. (2008). *Acts of citizenship*. London: Zed Books.
30. Janoski, T. (1998). *Citizenship and civil society*. Cambridge: Cambridge University Press.
31. Lemanski, C. (2019). *Citizenship and Infrastructure: Practices and Identities of Citizens and the State*. London: Routledge.
32. Lipsey, M. W., & Wilson, D. B. (2001). *Practical meta-analysis*. Thousand Oaks, CA: Sage.
33. Littell, J. H., Corcoran, J., & Pillai, V. (2008). *Systematic reviews and meta-analysis*. New York: Oxford University Press.
34. Marshal, T.M. (1994). Citizenship and social class. In B. S. Turner, & P. Hamilton (Eds.), *Citizenship: critical concepts*. London: Routledge.

35. Marshall, T. H. (1950). Citizenship and social class. In T. Marshall, & T. Bottomore, T. (Eds.), *Citizenship and Social Class*. London: Pluto.
36. Oliver, D., & Heater, D. (1994). *The foundations of citizenship*. New York: Harvester wheatsheaf.
37. Parsons, T. (1965). Full citizenship for the Negro American? A sociological problem. *Daedalus*, 94(4), 1009–1054.
38. Revi, B. (2014). Marshall and his critics: Reappraising 'social citizenship' in the twenty-first century. *Citizenship Studies*, 18, 452–464.
39. Taylor-Gooby, P. (2008). *Reframing Social Citizenship*. Oxford: Oxford University Press.
40. Turner, B. S. (1990). Outline of a Theory of Citizenship. *Sociology*, 24(3), 189-217.
41. Wood, L. (2014). *Crisis and Control: The Militarization of Protest Policing*. London: Pluto Press.
42. Wood, P. (2013). Citizenship in the In-Between City, *Canadian Journal of Urban Research*, 21(1), 111–125.
43. Yergin, D., & Stanislaw, J. (2002). *The commanding heights: The battle for the world economy*. New York: Simon & Schuster.

جدول پیوست: مقالات مرور شده در تحقیق به‌عنوان جمعیت آماری

نویسنده	عنوان	نشریه (شماره)	ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی	میانگین آگاهی از حقوق شهروندی
باقری و رستمی (۱۳۹۹)	بررسی جامعه شناختی تأثیر رسانه‌های جمعی بر آگاهی از حقوق شهروندی در دانشجویان دانشگاه چمران اهواز	فصلنامه توسعه اجتماعی (۵۸)	مدنی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی	۳,۹
بهرامی و همکاران (۱۳۹۸)	بررسی میزان آگاهی از حقوق شهروندی و عوامل مرتبط با آن در استان لرستان	برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی (۳۸)	مدنی، سیاسی، اجتماعی و جنسیتی	۲,۷۱
بهرامی و همکاران (۱۳۹۶)	تحلیل میزان عوامل مؤثر بر آگاهی از شهروندی در بین دانش آموزان پلدختر	برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی (۳۱)	مدنی، سیاسی، اجتماعی و جنسیتی	۳,۴۵
زارع و ملک پور (۱۳۹۵)	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر آگاهی از حقوق شهروندی در بین شهروندان شهر سنندج	پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی (۴۴)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۴۷
شیانی و سپهوند (۱۳۹۴)	رسانه و شهروندی مطالعه تأثیر استفاده از رادیو و تلویزیون بر آگاهی از حقوق شهروندی در شهر خرم آباد	مطالعات فرهنگی و ارتباطات (۳۸)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۱
شیانی و سپهوند (۱۳۹۳)	رابطه کمی و کیفی برنامه‌های تلویزیون و آگاهی از حقوق شهروندی در خرم آباد	رفاه اجتماعی (۵۴)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۱۰
باقری (۱۳۹۳)	بررسی اخلاق و حقوق شهروندی در جامعه و انتظار مردم از دولت	اخلاق زیستی (۱۱)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۱
باقری و سپهوند (۱۳۹۲)	بررسی میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در خرم آباد	برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی (۲۱)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۲,۸
حاج زاده و منصور (۱۳۹۲)	سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی در استان خراسان شمالی	مطالعات جامعه-شناختی جوانان (۱۲)	سیاسی، مدنی، اجتماعی و فرهنگی	۳

نویسنده	عنوان	نشریه (شماره)	ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی	میانگین آگاهی از حقوق شهروندی
شیانی و سپهوند (۱۳۹۲)	رابطه محتوای برنامه‌های رادیویی و آگاهی از حقوق شهروندی	مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران (۳)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳
شریفی و اسلامیه (۱۳۹۱)	بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی در سمنان	مطالعات برنامه درسی آموزش عالی (۶)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۲,۳
کلدی و پورهناد (۱۳۹۱)	آگاهی دانشجویان نسبت به حقوق شهروندی در تهران	مطالعات شهری (۴)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۵
سلطانی و همکاران (۱۳۹۰)	بررسی رابطه عوامل فرهنگی و برخورداری زنان از حقوق شهروندی	مدیریت فرهنگی (۱۲)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳
فتحی و مختاریپور (۱۳۹۰)	توسعه شهری، شهرنشینی و حقوق شهروندی در تهران	مطالعات توسعه اجتماعی ایران (۴)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۴,۱
نوروزی و گل پرور (۱۳۹۰)	بررسی احساس برخورداری زنان تهرانی از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن	راهبرد (۵۹)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۱,۵
هزارجریبی و امانیان (۱۳۹۰)	آگاهی زنان تهرانی از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن	مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای (۹)	سیاسی، مدنی، اجتماعی و فرهنگی	۳,۳
شیانی و دادوندی (۱۳۸۹)	میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان شهر تهران	برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی (۵)	سیاسی، مدنی، اجتماعی و فرهنگی	۳,۱
رسولی و زنده بودی (۱۳۸۹)	مطالعه انواع رسانه‌های جمعی در اشاعه آگاهی از حقوق شهروندی در تهران	انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات (۲۱)	سیاسی، مدنی، اجتماعی	۴
آراسته و همکاران (۱۳۸۹)	بررسی میزان آگاهی دانشجویان تهرانی از حقوق شهروندی	مطالعات برنامه درسی (۱۶)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۲,۳
شیانی و فاطمی نیا (۱۳۸۸)	میزان آگاهی شهروندان تهرانی از حقوق و تعهدات شهروندی	راهبرد یاس (۱۸)	اقتصادی، سیاسی، فرهنگی	۳,۲

نویسنده	عنوان	نشریه (شماره)	ابعاد آگاهی از حقوق شهروندی و اجتماعی	میانگین آگاهی از حقوق شهروندی
اسکافی (۱۳۸۶)	بررسی میزان آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در مشهد	علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد (۹)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳,۵
شیانی (۱۳۸۱)	تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان	انجمن جامعه‌شناسی ایران (۳)	مدنی، سیاسی و اجتماعی	۳